

پرسدای در شعر معاصر عرب

# شکوه شاخه‌های زیتون

محمد رضا خالصی - شیراز



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ذهنهاست به شناخت ملّی خویش و دل سپردن به يك آرمان اجتماعی و کوشش (در زمینه شعر نیز) برای دیگر بار زنده شدن و درهم شکستن اوزان عروضی هزار و پانصد ساله عرب که بزرگترین اقدام در تجدّد شعری معاصر به شمار می آید.

نکته قابل توجه دیگر این است که شعر عرب پس از برخورد اعراب با غرب روزگاری دراز به همان راهی که در قرن هیجدهم می رفت، ادامه داد. همان تقلیدهای صرف همراه با عدم اصالت و حرص بر مبالغه و افراط در استخدام صنایع لفظی و بازی با کلماتی که در اشعار اشخاصی مانند شیخ حسن عطار، علی سعید درویش، بطرس کرامه و... حاج عمرانی دیده می شد، ادامه داشت. می توان گفت که شعر کلاسیک عرب فقط دارای هندسه ای مسطحه بود که بر اساس خطوط افقی و تقابلی و تناظر بنیاد شده و از هندسه ی فضایی و به- سوم بی خبر بود.<sup>(۲)</sup> روی همین اصل صاحب نظران معتقد بودند که ادبیات این زمان از نظر فکری و روحی محدود است و قدرت مانور و بازسازی ساختارهای هنری را ندارد<sup>(۳)</sup> و در همین زمان است که شعر عرب

زمان به تدریج و آهسته نشأت یافته است. علل عمده تحوّل شعر معاصر عرب را می توان در موارد زیر خلاصه کرد: اشغال مصر توسط ناپلئون<sup>(۴)</sup> و بدنبال آن باز شدن پای اروپاییان بدانجا، استعمار مصر از سوی انگلیس، کشفیات باستانشناسان در مصر که مصریان را به اصالت فرهنگ و عظمت تمدن دیرینه خود آگاه ساخت، تأسیس مدارس، صنعت چاپ و انتشار مجلات و روزنامه ها، فرستادن دانشجویان مصری به اروپا، فلسطین، انقلاب ۱۹۵۲ مصر (که آگاهیه را بالا برد) دسته بندیهای سیاسی در مصر پس از انقلاب و عنوان کردن توده ها به عنوان قهرمانان سرنویشت ساز کشور، مسأله تعهد و... نکته قابل ملاحظه ای است که در کشورهای عربی به علت تفاوتی که از نظر سیاست و وضع اجتماعی وجود داشته، انواع اندیشه ها و فرهنگها با یکدیگر برخورد کرده اند. فشارهای سیاسی که از يك نقطه به وجود آمده، در نقطه های دیگر با عکس العمل روبه رو شده است و حاصل این برخوردها، نوعی گسترش اندیشه های گوناگون است و نتیجه آن گرایش عمومی

شعر معاصر عرب که از قرن نوزدهم مقدمات تحولی عظیم در آن آغاز شده بود امروز شکفتگی و گسترشی شگرف یافته و میدان وسیع تجلی اندیشه های گوناگون گشته است. شعر معاصر عرب شعر این قرن است. یعنی شعریست که با زمان و مکان و حال و هوای قرن یافته شده است. شعری است پویا<sup>(۵)</sup> و زبان حال انسان امروز. زبان ناشکیبایی ها و آشفتگی ها و ناپسامانی های موجود در جوامع و مجموعه ای از تنهاییها، وحشتها، و اضطرابها و نگرانی ها را بیان می کند. از پشت سرنیزه ها قلبهای خسته را دیدار می کند. از رازهای درون و آرزوهای بریاد رفته خبر می دهد. شاعر امروز عرب زمزمه های ملّتی گنگ را می شنود و در پی آنست که با آنان ارتباط برقرار کند ارتباط با ملّتی که حنجره هاشان فریاد را از یاد برده است.<sup>(۶)</sup> در حقیقت شعر امروز شعری است که صراحت دارد و خشمگین است و مدتها است که پوسته های سخت محافظه کاری را ترکانده و از اعماق حنجره با تمام توان فریاد می زند. شعر عرب مانند دیگر رشته های ادب عربی در این

از آن همه وضوح و تکرار خسته می‌شود و دو نیروی اصلی جنبش ادبی عرب یعنی شیخ ناصیف یازجی و محمود سامی بارودی دست به بازگشتی آگاهانه به سبک شاعران کلاسیک قرون وسطی (بخصوص عصر عباسی) می‌زنند. مرحله نخستین که آثار بارودی در طلیعه آن قرار دارد را می‌توان دوره کلاسیک‌های جدید یا دوره تقلید خواند. در این دوره عربها وجود خود را اثبات می‌کنند و بدینگونه به ارزشهای ادبی خود پناه می‌برند. از شاعران مهم این دوره می‌توان احمد شوقی، حافظ ابراهیم، جمیل صدقی الزهاری، خلیل مطران و... را نام برد. خلیل مطران یکی از پایه‌گذاران جنبش رمانتیسیم شعر عرب نیز هست. او عده‌ای مفاهیم و موفقیتهای تازه را وارد شعر کرد که در دوره بعد میان شاعران متجدد به گونه اصل تردیدناپذیری درآمد که مهمترین این مفاهیم دو چیز بود:

۱. وحدت شکل شعر

۲. تقدم معنا یا مضمون بر واژه‌ها

احمد زکی ابوشادی با انتشار مجله آپولو<sup>(۶)</sup> شعر رمانتیک عرب را قوام بخشید با ایجاد جنبش رمانتیسیم و همچنین سعی شاعران مهجر<sup>(۷)</sup> در شعر عرب دگرگونی جدید و جدی رخ داد و آن شعر نو یا التفعله بود. شاعران بلاد مهجر در راه ایجاد تغییرات در بندهای شعر تلاشهای قابل توجه‌ای نمودند افرادی چون الزهاری، عبدالرحمن شکری و احمد زکی ابوشادی در راه سرودن شعر سفید (نظم مرسل) به تجربه‌هایی دست زدند و ابوشادی در کتاب مجمع البحور به چیزی که وی آن را «نظم حر» می‌خواند، اشاره دارد. اما این که چه کسی اولین شعر نو را در ادب عرب سروده است، مورد اختلاف است. عده‌ای این حرکت را به نازک الملائکه و شعر «الکویرا» نسبت می‌دهند و بعضی بدرشاکر السیاب را پایه‌گذار آن می‌دانند و عده‌ای هم مانند بلند حیدری، عبدالوهاب البیاتی این امتیاز را از آن خود می‌دانند<sup>(۸)</sup>. اما با همه اینها باید دانست قبل از شاعران فوق، تجربه‌هایی به صورت پراکنده در زمینه شعر نو در ادبیات عرب وجود داشته مانند علی احمدیا کثیر الزهاری که با حذف قافیه از شعر در این راه گام برداشتند یا احمد شوقی به هنگامی که به نمایشنامه شعری روی آورد و یا بعضی تلاشهای لوین عوض... اما اینها تجربه‌هایی پراکنده بود که نتوانست در آن واحد عده زیادی از شاعران را به خود جذب کند. در حقیقت در سال ۱۹۴۶ بود که به طور جدی در پیچه‌های شعر نو بر جهان عرب گشوده شد. با آثار نازک الملائکه، بدرشاکر السیاب و بلند الحیدری<sup>(۹)</sup>. نکات مشترکی که در آثار این سه تن دیده می‌شد عبارت است از:

۱. کلمات چندبندی و ظنین‌دار را جایگزین کلمات واضح و قاموسی کردند.

۲. شعر متکی بر وحدت بیت را به سوی شعر مبتنی بر وحدت کلی سوق دادند. وحدتی که همه عناصر و جنبه‌های شعری در آن نقش سازنده دارند.

۳. از موسیقی یکنواخت شعر کلاسیک عرب خارج شدند و سرودن شعری را وجهه همت قرار دادند که در آن موسیقی و مضمون ارتباط تنگاتنگ دارند و در تکمیل یکدیگر موثرند.

می‌توان گفت بدرشاکر السیاب از يك حافظه بصری خیره‌کننده و زبان شعری منسجم برخوردار بود و شعر نازک الملائکه سرشار از سیلان عواطف (اما متأسفانه مملو از خشووزوائد) بود<sup>(۱۰)</sup> و شعر بلند الحیدری بنا به گفته جیرا ابراهیم جیرا شعری «تلگرافی» به حساب می‌آمد.<sup>(۱۱)</sup> می‌توان علت اساسی این دگرگونی ادبی را در میان نوشته‌های خانم نازک الملائکه جست. او در مقدمه دیوان شظایا و الرماد - شراره‌ها و خاکسترها - می‌گوید: «من شعرهایی دارم که از قلمرو عروض خلیل بن احمد خارج اند... وی دلیل رجحان این اسلوب را بر روش خلیل بن احمد چنین توضیح می‌دهد: «در ابیات ذیل که به اصطلاح خلیل در بحر متقارب قرار می‌گیرند اساس فعلون است: یداک للمس النجوم / و نسج الغیوم / یداک لجمع الضلال / و تشدید یوتوبیافی الرمال<sup>(۱۲)</sup> اگر این ابیات در عروض خلیلی قرار می‌گرفت مجبور بودم بینی تشکیل دهم با دو شطر - بخش - و به تکلف معانی دیگر بر آن بیفزایم: یداک للمس النجوم (الوضاء)

و نسج الغمام (الملاء السماء)<sup>(۱۳)</sup> خواننده رکاکت تعبیر را به خوبی احساس می‌کند و باید دانست که این اسلوب شورش بر علیه عروض خلیلی نیست<sup>(۱۴)</sup> بلکه تعدیل آن به حساب می‌آید<sup>(۱۵)</sup>. همچنین وی در این راستا به چهار عامل مهم اشاره می‌کند که عبارتند از:

۱. گرایش به واقعیت

۲. تمثالی به استقلال

۳. فرار از نمونه

۴. فراماترایی مضمون بر شکل.

السیاب نیز در این دگرگونی نقش عمده‌ای را برعهده داشته است او دایره لغوی زبان شعر و خانواده کلمات را تا حد چشم‌گیری دگرگون کرد و توانست موضوعات متنوعی را در اوزان آزاد عرضه کند و این مرکز تجدد شعر اوست. به تعبیر ادونیس شعر از نظر سیاب دیداری است میان شکلی که در حال فرو ریختن است و شکلی که در حال پیا ساختن<sup>(۱۶)</sup> و تاثیر او بر شاعران بعد از خود تاثیر شگرف است و نسلی که دنباله کار ایشان را گرفت به تجربه اینان غنای خاصی بخشید و این امر توسط شاعرانی چون خلیل حاوی، صلاح عبدالصبور و ادونیس در مراحل اول و در نهایت به وسیله کسانی چون علی الجندی انجام گرفت. این گروه شاعران تجربه پلایه‌داران شعر نو را در زمینه سمبولیسم غنا و گسترش دادند مثلاً نسل گذشته کوشیدند تا میراث فرهنگی عصر حاضر را پیوند زنند و بناچار سببهای اروپایی را بکار گرفتند اما نسل بعد به سبب های فرهنگ خاص خود بازگشت.

### فلسطین و شعر مقاومت

نکته‌ای که در این مقاله باید بدان اشاره شود و تاثیر زرف آن را بر شعر معاصر نمی‌توان نادیده گرفت مسأله فلسطین است که موجب به وجود آمدن شاخه سترگ شعر مقاومت گشت. نخستین رویدادی که در زمینه پیدایش نسل اول از شاعران مقاومت را بنیاد نهاد انقلاب ۱۹۴۶ بود. در اواخر ماه آوریل همین سال انقلاب بزرگ و فراگیری در فلسطین رخ داد. در این انقلاب خونین شاعران جوان و جدان آگاه انقلاب در صحنه وجود داشتند شاعرانی که مجاهد بودند و

شعرشان در راستای پیشبرد انقلاب قرار داشت و در شعر خود بیشتر یاداریها، ایستادگیها و پایگاههای انقلاب را بیان می‌کردند. این شاعران شکل کلاسیک قصیده را در بیان تجربیات خویش به کار می‌گرفتند. کامل السوافیری در کتاب خود - شعر نو عرب در تراژدی فلسطین - می‌گوید: در میان فلسطینیانی که تحصیلات خویش را در آموزشگاههای فلسطین پس از انقلاب ۱۹۴۶ به پایان رسانده اند کسی نیست که از ابراهیم طوقان دو سروده فدایی و شهید و از عبدالرحیم محمود دو شعر آن شهید و خلق دلاور و از ابو سلمی شعری را که علیه پادشاهان وقت عرب است به یاد نرسیده باشد<sup>(۱۷)</sup>. اگر بخوایم در میان شاعران نامدار فلسطین در سال ۱۹۳۶ نامهای برتر را جستجو کنیم به نام این سه تن برخوردیم خورد: ابراهیم طوقان، عبدالرحیم محمود و ابوسلمی (که محمود درویش در موردش گفته است: «توان تنه درختی که ترانه‌هایمان بر آن ریشه بست») بعد از آن در سال ۱۹۴۸ که پیدایش اسرائیل بر نعش مبارزان اتفاق افتاد<sup>(۱۸)</sup>، موج غم و ناامیدی در شعر فلسطین پدیدار گشت. در این زمان شاعر نامدار فلسطینی ابراهیم طوقان است که شعرش آینه تمام نمای دردهای آن هنگام است. این موج ناامیدی سراسر کشورهای عربی را فرا گرفته بود و ازین لحاظ شاعران این سال را با نام شکست خوردگان که از رنج و اشک و بهشت گمشده سخن می‌گویند می‌شناسیم. از درخشان‌ترین شاعران این دوره، فدوی طوقان را می‌توان نام برد. این موج ناامیدی که سراسر کشورهای عربی را فرا گرفته بود رفته رفته دیگرگون شد و بی‌گمان سرآغاز این دگرگونی انقلاب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ مصر بود و بعد حرکت نظامی ۱۹۵۶ که در پرت سعید اتفاق افتاد و موجب پذیرش شکست از طرف استعمارگران و صهیونیستها گردید. در این میان شاعران فلسطینی از روی خاکی که زیر سلطه دشمن بود، راه سرکشی را آغاز کردند، یعنی از همان جایی که گمان بود اوایی برنی خیزد شعری این دوره چون جیب قهوه‌چی و حنا و بونفا فریاد رهایی را سردادند<sup>(۱۹)</sup>. توفیق زیاد در کتاب خود «ادبیات فولکلوریک در فلسطین» می‌گوید: «ما شاعران که بدان هنگام شمارمان از انگشتان یکدست کمتر بود راه را ادامه دادیم، همان راه ابراهیم طوقان، ابوسلمی و... آنان از پیش برایمان غذایی را آماده نمودند که بعدها توانستیم از آن شکمهایمان را سیر کنیم<sup>(۲۰)</sup>». شاعران این زمان در رده‌های نخستین مبارزه ایستادند و سخت‌ترین عملیات، شکنجه، انتقام و سرکوبی را به خود دیدند و بارها مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند<sup>(۲۱)</sup>. سمیع القاسم - از چهره‌های پایدار شعر فلسطین - در این مورد سروده است:

«ما در پنجم ژوئن از تو زاده شدیم... و محمود درویش نیز می‌گوید: «بباید / بباید مرا / شاعران را باده‌ای نو باید / و سرودهای نو آئینی...»

شاعران دیگر عرب نیز درد فلسطین را با تمام وجود حس کردند و پیام‌آور مبارزات مردم فلسطین شدند و بدین صورت شعر مقاومت شکل گرفت شعری که در آن مبارزه اساس کار قرار داشت:

یا شجره الورد الذی یحترف الفداء / یا ثوره الارض التقت بنوره السماء / یا جسدا یطعم من ترابه / قمح... و انبیا / اسمح لثابان بنوس السیف فی یدیک

/ اسبح لنا نعبدا الله الذى يطل عينيك / يا ايها  
المغسول فى دمانه كالورده الجوريه / انت الذى  
اعطينا شهاده الاميلاد / وورده الحريره...

«ای درخت گل با ریشه‌ای دردناک، ای  
انقلاب خاک در رسیده به افلاک، تو ای  
سرزمینی که خاکت خوشه‌های گندم و  
پیامبران می‌پرورد، ما را اجازه ده که بر  
شمشیر دستانت بوسه زینم، ما را اجازه ده تا  
خدای را که از چشمانت می‌تراود پرستش  
کنیم، ای آغشته به خون همچون گل سرخ، تو  
هستی که بر ما گواهی تولد و گل آزادی را  
هدیه دادی»<sup>(۲۲)</sup>

و چهره حکام مرتجع عرب هدف دشنام: و خریطه  
الوطن الکبیر فضیحه / فحواخبر... و فحوافر... و  
کلاب / و العالم العربی... اما نجه مذبوحه... او حاکم  
قصاب / و العالم العربی یرهن سیفه / فحکایه  
الشرف الرفیع سراب /

«نقشه بزرگ وطن رسوایی است و سراسر  
موانع، مراکز سازمانهای امنیت و سگان است،  
جهان عرب یا گوسفندی است که ذبح می‌شود  
یا حاکمی است قصاب، جهان عرب شمشیر را  
به گرو داده است و «حکایت شرف»، سرایی  
بیش نیست»<sup>(۲۳)</sup>

شعر معاصر عرب چونان درختی تناور است که  
شاخه‌های متعدد از آن نشات گرفته و شاعرانی  
سترگ بر آن آشیان ساخته‌اند بجاست در این قسمت  
نگاهی هرچند گذرا به رگه‌های شعر معاصر عرب و  
شاعران نام‌آورد آن داشته باشیم:

#### ۱- شعر غنائی و نزار قبانی

نزار بی تردید نماینده یگانه شعر معاصر عربی در  
معنای واقعی شعر است، با تمام آشفنگی‌ها و  
شوریدگیهای یک شاعر عاشق. شعر نزار قبانی  
سراسر تصویر است. تصویرهایی زیبا و بکر، آنچنان  
که می‌توان گفت شعر او در ادب عرب فصلی تازه و  
دیگر گونه است. نزار چه در اشعار قبل از جنگش  
(ژوئن ۱۹۶۷) و چه در اشعار بعد از آن، شاعری  
ناتورالیست است. بیان او در همه اشعارش بیانی  
عاطفی و غریزی است:

در میان عروق سرخ رنگ من زنیست /  
که همراه من در میان ردایم در حرکت است /  
در استخوانهایم می‌دمد / و از ریه‌هایم  
آتشدان می‌سازد / در ترکیب جسم من /  
گرستگی است که با دستان بلند و  
خواهشگرش / دیگری را به ناله می‌طلبد<sup>(۲۴)</sup>

تصویرگری نزار در شعر غنائی بی‌مانند است:  
در بندر چشمهای کیود تو / پنجره‌های  
دریایی گشوده است / و پرندگان که در آفاق  
دور دست در پروازند / به جستجوی  
جزیره‌هائی که آفریده نشده.<sup>(۲۵)</sup>

معاصران عرب او را در طراز عمرین ابی‌ریبهه -  
بزرگترین شاعر شعرهای عاشقانه تاریخ ادبیات عرب  
- قرار می‌دهند و او را با وی مقایسه می‌کنند.<sup>(۲۶)</sup> روح  
شرقی با پشتوانه زبانی که در کار عشق قریب پانزده  
قرن ورزیده شده است وقتی با ادبیات اروپائی آشنا  
شد و در مسیر عوالم روحی جدید قرار گرفت فضای

نازه‌ای را در شعر عرب ایجاد کرد که باید او را  
بزرگترین عاشقانه‌سرای بلامنزاع چند قرن اخیر  
دانست، هر چند شاعران بزرگی در این زمینه مانند  
سعید عقل و صلاح لبکی نیز وجود دارند.  
جنگ ژوئن ۱۹۶۷ که شکست اعراب در برابر  
اسرائیل را در پی داشت چهره دیگری از شعر نزار را  
ارائه داد. خود در این مورد چنین می‌گوید:

«حزیران (ژوئن) ماهی بی منطق بود از این  
رو شعر گفتن درباره آن نیز بایست بی منطق  
باشد همین اتفاق در فرانسه نیز روی داد و آن  
روزی بود که در خلال جنگ جهانی، پاریس  
در برابر جنگ افزارهای نازی از پا درآمد و در  
آن روزهای سیاه از تاریخ فرانسه، ادبیات  
مقاومت در زیرزمینهای قدیمی پاریس و  
دهلیزهای ترن قدیمی به دنیا آمد و اشعار  
وطنی السوار، آراگون، و نوشته‌های  
سارتر و کامو توانستند از میان کیسه‌های شن  
و سیمهای خاردار دشمن مانند گلهایی که  
بی‌موقع می‌روئید به درآیند. پس خشم  
گیاهی است از خانواده کاکتوس که در  
سخت‌ترین شورستانها و موقع تشنگی زمین  
می‌روید.»<sup>(۲۷)</sup>

نزار از آن پس مسأله فلسطین را به عنوان درد  
عرب و انسانیت فریاد می‌زند و با چریکهای فلسطینی  
شعار «نحن عائدون و سنعود» (ما بازمی‌گردیم)  
همصدا می‌گردد.

ما از رحم ایام می‌آیم... چون جوشش  
آب... / از درد حسین (ع) می‌آیم / از رنج  
فاطمه (ع) / از اُحد می‌آیم و از زخمهای  
کربلا / می‌آیم تا تاریخ را تصحیح کنیم / و  
حروف عبری را / از آسامی خیابانها محو  
نماییم.<sup>(۲۸)</sup>

نزار هرگز شعرش را به شعار تبدیل نمی‌کند و از  
جوهر شعر خارج نمی‌شود و به همین جهت است که  
اشعار او در مورد فلسطین اشعاری نجیب و زیباست:  
زنان ما / غمهای فلسطین را بر اشک  
درختان ترسیم می‌کنند / و اطفال فلسطین را  
در وجدان بشریت / به خاک می‌سپارند.<sup>(۲۹)</sup>

#### ۲- شعر اجتماعی و عبدالوهاب البیاتی:

از نظر اسلوب بیان و حوزه معنای شعری بی‌گمان  
یکی از برجسته‌ترین چهره‌های شعر معاصر عرب  
عبدالوهاب البیاتی است. خواننده شعر او در  
نخستین تامل می‌تواند وسعت قلمرو و تخیل و توانایی  
عجیب او را در تداعی مسائل گوناگون اجتماعی،  
تاریخی و اساطیری دریابد. او با توجه به سنتهای  
شعری و تاریخی و اجتماعی عرب از اسلوب شاعری  
الیوت بیش و کم تجربه‌هایی را حاصل کرد ولی از نظر  
اندیشه در زمینه ذهنی هیچ گرایشی به دنیای الیوت  
ندارد. شاعری است که دنیای او را از نظر فضای  
شعری با فضای شعر آراگون و ناظم حکمت باید  
سنجید نه با الیوت؛ اگرچه اسلوب بیان و گاه طرز  
برداشت او از بعضی مسائل به الیوت نزدیکتر  
است.<sup>(۳۰)</sup> از خصائص شعری او کثرتی است که در  
زمینه‌های مختلف دارد، نیروی تداعی او در جهت‌های  
مختلف زمانی و مکانی که گاه نوعی عدم تناسب به نظر

می‌رسد. هنگامی که دیوان شعر او به نام **المجد  
اللاطفال و الزیتون** (شکوه، کودکان و زیتون را باد)  
منتشر شد، آنسی الحاج یکی از شاعران بزرگ لبنان  
در مورد او گفت: عبدالوهاب شاعری است با فرهنگی  
وسیع و اطلاعاتی سرشار از حوادث سیاسی و تحولات  
بین‌المللی و از سوی دیگر در ارائه تصویرها و سرعت  
تخیل و شدت تأثیر و نیز امکانات شعری بسیار  
توانا.<sup>(۳۱)</sup> هنگامی که دومین مجموعه شعری البیاتی

منتشر شد. اباریق مهشمه (ابریقهای شکسته)، دکتر  
احسان عباس کتابی پیرامون شعر البیاتی نگاشت به  
نام «عبدالوهاب البیاتی و الشعر العراقي الحديث»  
(عبدالوهاب البیاتی و شعر جدید عراق) در این کتاب  
وجوه مختلف شعر او را مورد بررسی قرار داد او شعر  
البیاتی را از جهانی با مکتب تصویرگرایان<sup>(۳۲)</sup>  
سنجید. اما این نکته قابل ملاحظه است که تصویر در  
شعر البیاتی بدین گونه است که هنگامی که احساس  
کرد کلمه در زبان عربی جامد و خشک است، کوشید تا  
حیات را به کلمه بازگرداند و کلمه را به گونه برده‌ای  
درآورد که در ورای آن معانی نهفته باشد.<sup>(۳۳)</sup> به حدی  
که این معانی هنگامی که جمع شد بشکافد و اجزا  
تصویرها به وجود آورد، نیروی شاعری البیاتی از نظر  
مضمون بر عاطفه وسیع انسانی که میان هیچ نژاد و  
رنگی و دینی تفاوت نمی‌شناسد استوار است. و  
انسانیت در این دیوان - (المجد للاطفال و الزیتون) به  
منزله عصب است. عصبی که اگر طبیعت داغ و  
پرشور شاعر نبود ممکن بود سرد و خشک بماند.  
طبیعتی شورشی پزوه که به هنگام تفتی عاشقانه خویش  
نیز آتش می‌افشاند.<sup>(۳۴)</sup>

#### ۳- شعر مدرن و ادونیس:

ادونیس (علی احمد السعید) از همه شاعران  
معاصر بغرنج‌تر می‌سراید و شعرش آکنده از ایجاز و  
ایماز و معناست. وی بر این رأی است که شعر نقیض  
وضوح است و زبان باید از معنای عادی و روزمره‌اش  
درگذرد. زبان شعر زبان اشاره است و زبان رایج زبان  
توضیح. شعر یعنی وادار ساختن زبان به آنچه که  
گفتنش را نیاموخته است ادونیس گرچه برای فرم  
اهمیت فراوان قائل است اما این کار را به بهای فدا  
کردن ژرفا و معنای درونی شعر انجام نمی‌دهد. وی  
شعر را به جادو تشبیه می‌کند که جهان را به انحنای  
وامی دارد و تاریخ را تکان می‌دهد و روزگاران را به لرزه  
می‌اندازد.<sup>(۳۵)</sup> ادونیس بی‌شک یکی از شاعران بزرگ  
مبتکر عرب در این عصر است او همچون بیاتی و  
درویش به طور صریح و آشکار مسائل اجتماعی و  
سیاسی را در آثار خود مطرح نمی‌کند لیکن در  
واژه‌گزینی و ظرافت زبان و باریکی بینی انتقادی از  
استعداد و قریحه‌ای استثنائی برخوردار است. شعر او  
برخلاف شعر البیاتی که حاصل تأمل در جهان است  
حاصل کاویدن در درون و راه یافتن به اعماق ذات  
است و در موازین نقد ادونیس مثل همه مدرنیستها بر  
این عقیده است که شعر معماری کلمه است و خلق  
جهانی از راه واژه‌ها.

#### ۴- شعر فلسطین و محمود درویش:

شاید بتوان محمود درویش را بزرگترین شاعر معاصر  
فلسطین دانست اگرچه شاعرانی همچون سمیح القاسم  
توفیق زیاده، سالم جیران، خالد ابو خالد  
قدوی طوفان و... از دیدگاه شعر انقلابی فلسطین  
جایگاهی ویژه دارند لیکن اشعار محمود درویش از

اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. محمود درویش والاترین ارزشهای ادبی خود که به بهترین شکل در سه مجموعه خود با نامهای «عاشق من فلسطین» (عاشقی از فلسطین) «آخر اللیل» (آخر شب)، «المصافیر تموت فی الجلیل» (گنجشکها در جلیل می‌میرند) نمودار است را به نمایش می‌گذارد. در این اشعار بدان فرهیختگی هنری و نیروی بیانی می‌رسد که عمق و اصالت چندان فزون‌تر به شعر خویش می‌دهد و این شعر را بارورتر می‌گرداند و توان پیام‌رسانی را بدان می‌بخشد. این مجموعه‌ها دارای ویژگیهایی است که عبارت است از:

الف) گرایش به عدم بازگو کردن صریح تجربه که در این رهگذر به نمادها، اسطوره‌ها و قصه‌های شعرگونه می‌آورد:

در هر شبانگاهی در آتش پنهان می‌کنم - ماه و ترانه را - و یاسمنی را پناه می‌دهم

ب) به عنصر گفتگو در شعر دست می‌یازد و به شعر جنبه دو صدایی می‌بخشد و از یک توانایی نمایش آفرینی سود می‌برد و خود چنین بیان می‌کند: من سرشار از نوشتن یک نمایشنامه «شعرگونه» هستم.

ج) ویژگی بسیار بارز دیگر که در شعر محمود درویش نضج می‌یابد آمیزه‌ای است که از وطن و محبوب وی یک شیء می‌سازد و عشق بزرگ را در سیمای وطن باز می‌یابد:

میهمن پیشانی تست به من گوش فراده -  
مرا پشت پرچین - چو نان گیاهی صحرانی ترک  
مکن.

آه ای زخم ترحم ناپذیر - میهمن جامه‌دان نیست  
- و من مسافر نیستم - من عاشقم - و زمین  
محبوب من است.

#### ۴- شعر آفریقا و محمد الفیتوری:

محمد الفیتوری نخستین شاعر برجسته عرب زبانی است که مساله آفریقا را در شعر خویش به تصویر کشیده است. در شعر او طنین طبلهای قبایل آفریقا را با صدای بلند می‌توان شنید. رنج و حرمان نژاد سیاه را در بیانی صمیمی و مؤثر می‌توان دید و از سوی دیگر مشکلات اقوام عرب.

محمود امین العالم در مقدمه‌ای بر دیوان الفیتوری می‌نویسد: «سفر شاعرانه جالبی است... شاعر این سفر را از جانی آغاز کرده که علفها زیر قدمهای گل آلود لگدکوب می‌شدند، از سردابهای مرطوب و تابوتهای آکنده از کینه و ترس آنجا که درختان سیاه و سایه‌ها حقیرند، از خلال دالانها و کویرها و احساسات پژمرده به حرکت پیشرو خود ادامه داد تا پیشانی تابناکش روشنائی روز را شکوهمند ساخت.»

در جای دیگر می‌گوید: اما دیری نکشید که برای سفرش جهت جدیدی را آغاز کرد و عواطف و احساساتی را در وطنی غیر از غربت و گمگشتگی و لامکان جای داد از رنگ پوستش و از احساس عمیقی به کینه و درد و از طبلهای خاطرات، وطن دوری برای خود ساخت که همان آفریقا است، در ابتدا رهایی آفریقا راه رهایی ذات او بود... آفریقا ذاتی بود بسان ذات او که می‌خواست از کینه‌هایش رهایی یابد و از نجبرها آزاد شود و از سردابهای تاریکش بیرون آید:

آفریقا از وجود تاریکت بیدار شو - از نفس  
فرو رفته‌ات - به درای - و چون ضعف زندان  
است - و ترس زندان است - و گذشته تاریک  
زندان است - آفریقا برده باقی ماند - و از  
زندانی به زندان دیگر - نقب می‌زد.  
اما مبارزه تنها مبارزه آفریقا نیست، مبارزه  
رنگها نیست... مبارزه بین سیاه و سفید نیست  
بلکه مبارزه کلی انسانی است. (۳۶)

الفیتوری در مقدمه مجموعه شعرش - آفریقا مرا به یاد آر - می‌گوید: «موسیقی شعر من با درشتی و عنفی که دارد چیزی جدا از هستی من نیست من میراث پر طنین طبلهای سیاهان آفریقایم. کیست که مرا جز آنچه هستم بخوهد و ادا کند؟ آیا به سبب این که من به زبان عربی شعر می‌سرایم باید از میراث آفریقای خود چشم پیهوشم...» (۳۷)

#### یادداشتها

- ۱- ادب العربی المعاصر فی المصر، توفی ضیف، ص ۵
- ۲- ملف القضية الفلسطينية، الحكم دروزه
- ۳- سال ۱۳۹۸ م.
- ۴- نزار قبانی، شعر معاصر عرب، دکتر شفیع کدکنی، ص ۸۰
- ۵- کیهان فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱، ص ۴۵
- ۶- سپتامبر ۱۳۳۲
- ۷- مقصود شاعران آمریکای شمالی و جنوبی است که بسیاری از شاعران عرب خاصه لبنان در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم به آنجا مهاجرت



- کردند.
- ۸- کیهان فرهنگی، سال ۵، شماره ۱۰، ص ۸
  - ۹- با کتاب حلق طلیعی
  - ۱۰- کیهان فرهنگی، سال ۵، شماره ۱۰، ص ۸
  - ۱۱- همان مأخذ
  - ۱۲- دستهای نورا برای لمس کردن ستاره‌ها و بافتن ابرها، دستهای نو برای گردآوری سایه و ماه‌گذاری ناکجا آباد در ریگستان
  - ۱۳- دستهای نو برای لمس کردن ستاره‌ها (ی‌روشن) و بافتن ابرها (ی‌براکنده آسمان)
  - ۱۴- شطابا والرمد، ص ۱۰ به نقل از «شعر معاصر عرب»، دکتر شفیع کدکنی، ص ۱۱۵
  - ۱۵- بسیاری نمی‌توانستند ترازک الملانکه را بپذیرند و شدید با وی به بحث و جدال پرداختند، مانند محمود النوبه‌ی که بخش عمده‌ای از کتاب خود به نام «فصه شعر جدید» را به رد کردن عقاید وی در زمینه شعر آزاد اختصاص داده است.
  - ۱۶- مقدمه ادونیس بربردا لساکر الساب قصاید، اختارها، ص ۵
  - ۱۷- شعر نو عرب در ترازوی فلسطین، ص ۲۹۸
  - ۱۸- حیاة الادب الفلسطینی الحديث کن اول النهضة... حتی النکبة، عبدالرحمن باغی، ص ۳۱۴
  - ۱۹- ادب المقاومة فی فلسطین المحتله، غسان کنعانی، ص ۲۱
  - ۲۰- عن الادب والادب شعری فی فلسطین، ص ۷۶، ۷۸
  - ۲۱- همان مأخذ، ص ۸۵
  - ۲۲- نزار قبانی، گلبرخ، سال دوم شماره دوم، ص ۹ و ۸
  - ۲۳- شعر زن و انقلاب، نزار قبانی، ص ۳۵
  - ۲۴- قالت لی سمر، ص ۳۰
  - ۲۵- نغاسنی واژه‌ها، مجله سخن، دوره ۱۸، ص ۷۰۴
  - ۲۶- نزار قبانی و عمر بن ابی ربیع، دکتر ماهر حسن فهیمی
  - ۲۷- داستان من و شعر، ص ۱۶۸، دکتر یوسفی، دکتر بکار
  - ۲۸- خشم خونه‌ها، ص ۵۱۲
  - ۲۹- خشم خونه‌ها، ص ۵۱۹
  - ۳۰- نغذات عابر، عبود نقاد، ص ۱۴۶
  - ۳۱- الشعر فی المعركة الوجود، ص ۵۳
  - ۳۲- Imagism
  - ۳۳- مجله الاقلام، شماره ۵، سال ۵، البیانی و عذاب حلاج، به قلم مدنی صالح
  - ۳۴- الشعر فی المعركة الوجود، ص ۲۵
  - ۳۵- دنیای سخن، شماره ۲۳، ص ۴۵
  - ۳۶- آغانی الافریقیا، محمد الفیتوری، مقدمه محمود امین العالم
  - ۳۷- آفریقا مرا به یاد آر، ص ۲۲

